

## الکل دومین عامل ایجاد کننده سرطان

بهمه کسانی که به صحت و تندرستی افراد جامعه علاقه دارند و  
با صرف مبالغ هنگفت بیمارستانهای مجهزی بنا میکنند یاد آور  
میشود بخاطر سلامت افراد اجتماع این مقاله مستدل و منکی  
بارقام و آمار دقیق را مطالعه نموده و خواندن آنرا به همه توصیه کنند.

\* \* \*

انما الخمر والمیسر والآنصاب والازلام رجس من

عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون.

اگر بی‌رضانه و بدون تصب دستورات شارع مقدس اسلام را  
در باره نهی از شرب مسکرات در نظر بگیریم و مخصوصاً بر کلمه  
**فاجتنبوه** در آیه مبارکه فوق و مقاله مستدل و منکی بآمار زیر که در  
یکی از مهمترین مجلات دنیا چاپ و منتشر شده است دقت کنیم  
براستی در برابر عظمت بی‌پایان حضرت رسول اکرم (ص) سر  
تعظیم و تکریم فرو خواهیم آورد  
( مترجم )

\* \* \*

بنا به درخواست کشور فرانسه بسیاری از کشورهای جهان تصمیم گرفته اند قسمتی از اعتبارات  
و بودجه نظامی خود را صرف مبارزه با سرطان بکنند پزشکان و بیولوژیستها کم موفق بکشف  
اسرار این بیماری موحش و خطرناک میشوند در اطاق کوچک پزشک نکهبان سنت آن «مردی  
که تازه عروسی کرده بود با نگاه تب‌آلود بر روی صندلی گز کرده و در انتظار نوبت بسر میبرد .  
پزشک پرونده مشاوره را بست و بیمار بی‌حرکت باقی ماند پزشک روانکاو در حالیکه  
تبسمی بر لبانش نقش بسته بود گوش می‌کرد حالتی اطمینان بخش بخود بگیرد وقتی بیمار از  
اطاق خارج میشد پزشک رو بطرف من کرد و گفت خیلی ناراحت نباشید شما در عرض مدتی

کمتر از سه ماه بهبود خواهید یافت .

ولی من که پزشک هستم باید در اینجا از حساسیت خود بکاهم زیرا مشاهده حال هر يك از این مردم بد بخت همچون کار دیست که بقلبم فرو میکنند، نصف ساکنین بیمارستانهای امراض روحی را افراد معتاد بالکل تشکیل میدهند .

این مرد که ملاحظه کردید مبتلا به سل میباشد و بعلمت ناراحتیهای عصبی چندین مرتبه مجبور باقامت در بیمارستان شده و میتوانم با قاطعیت تمام برای شما پیش بینی کنم که در عرض چند سال آینده این مرد در نتیجه سرطان گلو و مری راه دیار نیستی را خواهد پیمود زیرا امروز ما کاملاً مطمئن هستیم که **الکل ابتلای به بیماری سرطان را تسهیل میکند.**

آماریکه بر اثر این تحقیقات بدست آمده پزشکان را سخت متحیر و مشوش کرده است فرانسه از لحاظ شدت و وسعت دامنه بیماری سرطان مری در ردیف دوم قرار دارد و چون میدانیم که کشور فرانسه از نظر تهیه و مصرف شراب و مواد الکلی مهمترین کشورهای روی زمین است .

تقبیح و محکوم ساختن الکل از طرف پزشکان امری مستدل و مسلم بنظر مبرسد، محققین و مکتشفین ( انستیتوی گوستاو ) روسی تمام کوشش خود را صرف این نکته کرده و مشغول بررسی هزاران پرونده هستند تا بتوانند برابطه میان مصرف الکل و مریکومیر حاصله از سرطان پی ببرند پزشکان باین موضوع برخورد کرده اند که استان « لورن » که از نظر مرگ و میر افراد الکلیسم در مرتبه اول قرار دارد در کورد مبتلایان به بیماری سرطان مری را شکسته است و مبتلایان باین بیماری بیشتر بوضع غیر عادی در بین گارسونهای کافهها ، رستورانها ، مهمانخانهها و مسافرخانهها وجود دارد بطور خلاصه باید گفت که صاحبان این مشاغل بمقتضای شغلی که دارند در نتیجه تماس بامشتریان مختلف روزانه مقدار معتنا بهی شراب و سموم الکلی جذب میکنند .

مطالعه بسیار دقیق آمار مختلفه و وجب میشود که دکتور « لارمان » بخود اجازه دهد اینطور

اظهار عقیده کند :

« تعداد مبتلایان به بیماری سرطان هاضمه در میان اشخاصی که روزانه يك لیتر شراب مصرف میکنند دو بار بیش از مردم عادیست و کسانی که دولیتر میآشامند این میزان برای آنها سه برابر میرسد و آنانکه مصرفشان به چهار لیتر بالغ میشود تعداد مبتلایان بسرطان در میان آنها پنج برابر میشود ، قطعاً تجسسات ، آماری بر روی تعداد معدودی از اشخاص انجام گرفته اما بررسی احوال هزاران نفر مبتلایان شدید بسرطان دستگاه هاضمه این موضوع و حشمتناك را مسلم میسازد که **۳۴ درصد** بیماران کسانی هستند که مصرف الکل آنها در روز به **۴ لیتر** میرسد **۴۶ درصد** افرادی میباشد که مقدار نوشابه الکلی آنها در روز بالغ بر سه لیتر است و آنانکه روزانه **۲ لیتر**

مصرف میکنند ۳۰ درصد مبتلایان را تشکیل میدهد ۹۴ درصد بیماران ، مصرف الکل روزانه آنها یک لیتر است و ۶۶ درصد بیماران هم در روز کمتر از یک لیتر مایعات الکی می آشامند.

### ۵ ملیون پرونده!

این نوع روش تحقیق و تجسس آماری امروز رواجی بسزادارد برای بیماریهایی که علت و سبب آنها عجیب و مورد بحث و گفتگو است مانند (سرطان و بیماریهای قلبی و امثال آنها) پزشکان حداکثر اطلاعات خود را در هر مورد ثبت میکنند و کارتهای مخصوصی ترتیب میدهند که در آنها رژیمهای غذایی بیماران را یادداشت میکنند و کار بجائی میرسد که تعداد بسیاری از این فیשהا تهیه میگردد ، آمار، اغلب اوقات ارقامی بسشگفت انگیز را ظاهر میکنند، از جمله آنکه تعداد زنان مبتلا به بیماری سرطان پستان در میان افراد اسرائیلی ۸ مرتبه بیش از ژاپونی-هاست، سرطان پوست و لب در بین اهالی امریکای جنوبی بیست مرتبه بیش از سکنه امریکای شمالی رواج دارد ، پنج ملیون پرونده مبتلایان به بیماری سرطان از طرف اکیپهای تحقیقاتی در سراسر دنیا مورد بررسی دقیق قرار گرفته و کمترین غفلتی در این باره سوزنده است و در نتیجه مشخص گردیده که صاحبان بعضی از مشاغل و ساکنین بعضی نقاط دنیا بیش از سایر افراد سکنه روی زمین در معرض خطر ابتلا قرار گرفته اند این اصل بر پزشکان انستیتوی گوستاو ( روسی ) مسلم گردیده که مبتلایان به بیماری سرطان گلو و مری بطور کلی معنادین بزرگ الکل هستند تحریک دائمی مخاط دهان و مری دل عجیبی را در ابتلای بسرطان بازی میکند، سرطان دهان در میان بومیان هندی که عادت بخویدن عصاره لیمو و توتون دارند و مخاط دهان پیوسته تحت تحریک و تأثیر این مواد قرار میگیرد ، وضعی کاملاً استثنائی دارد عیناً همان نتیجه حاصل از شرب مایعات الکی را بیاد میآورد بهمان نسبت که از مناطق معتدله گره زمین بخط استوا نزدیک میشود تعداد مبتلایان بسرطان پوست در بین سفید پوستان بوضع بسیار محسوس و با زیاد میگذارد و بنظر میرسد که «اشعه ماورای بنفش» شدید خورشید در ایجاد سرطان دل مهمی را بازی میکند ،

در عوض هنوز هیچکس نمیداند بچه سبب اهالی ژاپن و ایسلند با وضعی غیر طبیعی مبتلا بسرطان معده میشوند ، تحقیقات درباره مصرف نوشابه های الکی در داخل یک کشور یا یک منطقه اغلب مواجبه با اشکالات قابل ملاحظه ای میشود، زیرا کمتر بیماری ممکن است مصرف حقیقی نوشابه الکی روزانه خود را صریحاً اعتراف کند ، و مثلاً بگوید که روزانه ۵،۴ یا ۶ لیتر شراب میآشامد بلکه این میزان عجیب را با وضعی مزورانه به یک لیتر ونیم تا دو لیتر تقلیل میدهد . نکته قابل توجه آنکه اگر شخصی بر خورد کنیم که از ده سال قبل شرب نوشابه الکی را ترک کرده باشد و ارگانسیم بدن وی هیچگونه اثر و نشانه ای از وجود الکل نشان ندهد معیناً بسادگی قربانی ابتلای نوعی از سرطانها میشود که مسبب اصلی آنها شرب مایعات الکی است،

زیر اینکه سلول که عناصر شیمیائی سرطان را بخود جذب میکند هرگز و بهیچوجه مواد سمی حاصله را از دست نخواهد داد، و در واقع همچون صفحه عکاسی که نور را بخود جذب میکند سلول هم مواد سمی را میبلند، روی همین اصل کار گرانی که در جریان کار با مواد سرطانی را سر و کار دارند چندین سال بعد از بازنشستی یا از کار افتادگی بسرطان مبتلا خواهند شد.

### يك طبقه بندی غم انگیز در فرانسه .

بانو د لاسر، بتازگی مطالعات جغرافیائی خود را بر روی سرطان پایان داده است، وقتی او میخواست به جدا کثیر مصرف نوشابه های الکلی نواحی مختلفه فرانسه پی ببرد مواجه با اشکالاتی میشود که ذیلا بشرح آنها میپردازیم بطور کلی پی بردن بمیزان مصرف مایعات الکلی بطور کامل صریح امکان پذیر نیست، در فرانسه یک فرد مسن بطور متوسط سالیاناً ۲۵ لیتر الکل میاشامد یعنی در واقع روزانه ۷ سانتی لیتر که مساوی با سه چهارم لیتر شراب میباشد، میزان فروش مایعات الکلی توسط هزاران نوشابه فروشی جهت آمار گیری موضوعی بسیاری معنی است، زیرا در قسمت جنوب فرانسه که اثری از میخانه ها بنظر نمیرسد مقدار مصرف نوشابه های الکلی کمتر از پاریس نیست، و مردم خود شخصاً این مایعات را تهیه میکنند.

### بانو د لاسر، نیز رابطه مستقیمی میان میزان مصرف و تعداد مرگ و میرهای

اشخاص الکلیسم مبتلا به بیماری سرطان را مشخص میکند آمار جهانی نیز بسیار مشوش است، در میان کشورهای که میزان تلفات و مرگ و میرهای سرطانی الکلیسم آنها در ردیف اول قرار دارد، بترتیب کشورهای فرانسه، پرتغال، اطریش، ایتالیا و سویس را باید نام برد. از نظر سرطان گلو و حنجره آمار غم انگیز خامر ممالک فرانسه، پرتغال، ایتالیا، سویس بلژیک و اطریش میباشد بالاخره نتیجه وحشت انگیز دیگری هم که عاید شده اینست که میزان تلفات مرگ و میرهای حاصله از سرطان گلو در میان مردان ۱۲ برابر زنان است، و این نسبت در سرطان دهان به هفت برابر و در سرطان مری به ۶ برابر میرسد!

در کشورهای فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، انگلستان، و امریکا هر دفعه که پزشکان

آمار مربوط به مبتلایان بسرطان گلو و مری را جمع آوری کرده اند معتادین و آشامندگان

### نوشابه های الکلی قربانیان درجه اول را تشکیل داده اند!

دکتر د لدرمان، میگوید: نسبت همین آمار دقیق است که رابطه صریح و مستقیم میان

سرطان و الکل را بر من ثابت کرده است.

### الکل و دخانیات؛ دو خطر مرگ

عصاره موجود در شراب و مایعات الکلی و همچنین آلوئید، که برای معطر کردن نوشابه های

الکلی بکار میرود در این ماجرا ساخت مورد اتهام واقع میشوند دکتر ویندر «معتقد است که الکل

زیانهای دخانیات را تشدید میکند و معتادین بدخانیات چون معمولاً بشرب نوشابه های الکلی هم



## ❁ جنک در نیچریه ❁

\* کشور اسلامی نیچریه در آفریقا، دست خوش آشوب و اغتشاش شده و ایالت شرقی آن توسط یک سرهنک، اعلام استقلال نموده و جمهوری «بیافرا» نامیده شده است.

مجله «تایم» چاپ آمریکا می نویسد، «بحران نیچریه که بادو کودتای پی در پی ازدو سال پیش آغاز شده، هنگامی بروز کرد که حکومت مرکزی در راه ثبات گام بر میداشت ولی ساکنان ایالت شرقی که از قبایل مسیحی «ایبو» هستند بیبانه علم قبول سلطه حکومت مسلمان مرکزی؛ علم طغیان برافراشتند و ایالت شرقی و نفت خیز را تجزیه کردند.

اکنون بطور کلی میتوان نظر داد که قوای حکومت مرکزی بتدریج عصیانگران ایالت شرقی را دفع خواهند نمود مگر آنکه قدرت های خارجی که عامل تشویق ایالت شرقی به تجزیه بودند، کودتای تازه ای را در آن سرزمین راه بیندازند! (۱)

خوشبختانه نیروهای حکومت مرکزی، به پیشرفت خود ادامه میدهند و امید است که بزرگترین کشور اسلامی قاره سیاه از خطر تجزیه و اغتشاش برای همیشه برکنار گردد.

## ❁ معجزه اسلام در کره ❁

«آقای محمد جمیل یکی از کارشناسان معروف کوششهای تبلیغی اسلامی در جهان اسلام است و بملت مقاومت همه جانبه در برابر مسیونهای مذمبی مسیحی در پاکستان معروفیت بسزائی دارد.

آقای محمد جمیل که اخیراً سفری به کره نموده بود، نامه ای باستاد ابوالحسن علی احسنی المدروی لرسفاده که ترجمه خلاصه آن در اینجا درج میگردد،

دو نفر از مسلمانان کره ای که به پاکستان آمده بودند، از من خواستند که سفری به سرزمین آنان بکنم اسلام در کره بوسیله سربازان تو رگیمه که در جنگ منطقه ای اخیر شرکت داشتند، انتشار یافت سربازان ترك که در سئول اقامت داشتند گروهی از مسیحیان را مسلمان کردند.

مردم کره در نتیجه تماس نزدیک با سربازان ترك و تحقیق در باره وضع و رفتار آنان و مطالعه بعضی کتابها و جزوه ها با اسلام آشنا شده و نخستین اقلیت مسلمان کره ای را بوجود آوردند.

من بسیار مایل بودم که خودم از نزدیک وضع اقلیت مسلمان کره ای را ارزیابی کنم و برای همین منظور در نوامبر ۱۹۶۶ به «سئول»

### از مردم کره را پیرو اسلام کنیم

در طول چند هفته‌ای که من در کره بودم ، گروهی از جوانان شب و روز همراه من بودند تا تعلیمات اسلامی را بخوبی یاد بگیرند. آنها شب‌ها استراحت چشم می‌پوشیدند تا حقایق اسلامی را دریابند ، آنها در مسجد می‌ماندند تا نماز خواندن را یاد بگیرند و مختصری از قرآن مجید را بر بی بخوانند البته من نیز کوشش داشتم که در آن هوای سرد ، با جدیت کامل آموزشهای لازم را بآنها یاد بدهم

دانشجویانی که شبها در نزد من میماندند صبح زود بر میخواستند و نماز می‌گذاشتند و ساعت ۹ به دانشکده میرفتند و پس از پایان کارشان ، باز بسوی من بازمیگشتند

اشکال عمده کار ما آن بود که همکاران من زبان عربی و کره‌ای را نمی‌دانستند و اگر در دانشگاه سؤال ، زبان عربی هم جزو برنامه زبانهای خارجی تدریس شود ، بی‌شک راه پیروزی ما بسیار آسان خواهد شد ، ولی در شرایط فعلی باید کتابها و رساله‌هایی به سه زبان عربی ، انگلیسی ، کره‌ای منتشر گردد و در اختیار دانشجویان قرار گیرد . من در آنجا با هم - کاری جوانان و دانشجویان توانستم تعلیمات لازم اسلامی را بر بی و انگلیسی ماشین کنم و بین افراد جدید الاسلام توزیع نمایم ولی باید کتابها و جزوه‌های جالبی را با چاپ زیبا در اختیار خواستاران بگذاریم . من جزوه‌ای

(پاینتخت کره جنوبی) وارد شدم و قبل از هر چیز مسجد کوچکی برای اجتماعات اسلامی تأسیس کردم که تمام وقت در آنجا بسر می‌بردم و با مردم تماس می‌گرفتم و البته بازدید - هایی نیز از دانشکده ها و بعضی مراکز دیگر مینمودم که با موفقیت کامل توام بود

مدت اقامت من در کره در سایه استقبال مردم از دو هفته به چهار هفته تبدیل شد و من در خلال این مدت علاوه بر ملاقات شخصیتهای علمی و اجتماعی کره‌ای و اساتید دانشگاه سخنرانیهایی نیز در مؤسسه V.M.G.A در باره اسلام ایراد کردم که مورد توجه فراوان قرار گرفت و گروهی از حضار پس از آن مجلس در مسجد کوچکی که داشتیم ، با من تماس گرفتند و چند نفر از اساتید دانشگاه و فرهنگیان بدست من اسلام آوردند

کوششهای من در کره با موفقیت کامل همراه بود و روزی نمی‌گذشت که کسی در نزد من پیرو اسلام نگردد و حتی در یکروزهشت نفر از جوانان روشنفکر و تحصیل کرده در مسجد کوچک ما گرد آمدند و پس از مذاکراتی مسلمان شدند .

من پس از بررسی وضع کره ، اکنون یقین دارم که اگر (سایل تبلیغاتی) مجهز و کاملی داشته باشیم و در کار خود خلوص و ایمان نشان دهیم در عرض سه چهار سال میتوانیم صدهزار نفر

را در باره اسلام نوشتم که جوانان کره‌ای آنرا از انگلیسی به زبان کره‌ای ترجمه نموده و ماشین کردند و بین برادران جدید توزیع شد ولی استقبال آنان بخدی زیاد بود که احساس کردم باید از این نشریه دهها هزار نسخه چاپ و در کره منتشر سازیم . من در آخرین روز اقامتم در کره دانشگاهیان و جوانان تازه مسلمان را برای نهار دعوت کردم و در مهمان خانه ای از آنان پذیرائی کردم ، مدیر مهمانخانه‌ای که مادر آن نهار دادیم خود دو هفته پیش مسلمان شد بود و بدین ترتیب ما نخستین مهمانخانه مسلمان را در کره بوجود آورده ایم . در این اجتماع ۱۳۰ نفر شرکت داشتند و در خلال سخنرانیا و نهار ، نماز عصر را بطور جماعت در همانجا برپا داشتیم اکنون من چند نفر از دانشجویان کره‌ای را انتخاب کرده‌ام که مدت سه سال بخرج ما در پاکستان درس بخوانند و در موقع مراجعت مبلغ اسلامی باشند . مخارج تحصیل این دانشجویان را **جمعیت نشر القرآن** ، خواهد پرداخت .

من طرحی تهیه کرده‌ام که بزودی ۱۲ نفر دیگر از جوانان کره‌ای را به کشورهای اسلامی دیگر بفرستم تا در آنجا به تحصیلات خود

ادامه دهند و با حقایق اسلامی آشنا گردند ، در دانشگاه **وهن كاك** ، در بخش زبانهای خارجی ، سه استاد تدریس زبان عربی را بعهده دارند که یکی از آنها کنسول اردن در کره است و او بمن وعده داد که جلسه‌ای برای تدریس قرآن برای دانشجویان ترتیب دهد .

من در مدتی که در سیول بودم ، نامه‌های زیادی از دهات اطراف دریافت داشتم که از من خواسته بودند برای آنها نشریاتی درباره اسلام بفرستم .

**بی شك کره یکی از - رزمینهای بگری است که اگر ما بخود بجنبیم بخوبی خواهیم توانست اسلام را برای مردم آن معرفی کنیم . باید در این سرزمین بکوشش وسیعی برخاست زیرا پیروزی و موفقیت مادر آنجا قطعی است .**

من خود در مارس ۱۹۶۷ به کره برمیگردم و یکاش فارغ التحصیلان دانشگاههای اسلامی بی درنگ بسوی این سرزمین گسیل شوند تا آنچه را که من بان اشاره کردم با دیده اعجاب بنگرند و خود عامل نشر اسلام گردند .

(مجله البعث الاسلامی شماره ۸ سال ۱۱)

### بانوئی

## از بنی هاشم دفاع میکند

معاویه پس از شهادت امیر المؤمنین علی (ع) دست به تبلیغات دامنه داری زده بود از یکسو در بزرگ جلوه دادن بنی امیه میکوشید، و از سوی دیگر در قدح بنی هاشم داستانها میسرود، هر کس از بنی هاشم و بخصوص امیر المؤمنین علی (ع) نکوهش میکرد مشمول عطا یا ای اومی گشت! و هر کس فضیلتی برای بنی امیه می ساخت مورد لطف و مرحمت او قرار میگرفت.

متملقین و چاپلوسان برای خوش آمد او از هر گونه دروغ سازی و دروغ پردازی با ک نداشتند بازار جعل اکاذیب گرم شده بود، و از طرف دیگر معاویه برای همدست نمودن داهیه عرب و زیاد بن ابیه، بیک جنایت بزرگ تاریخی دست زد، زیاد را بخاندان خویش ملحق ساخت! و او را که تا آنروز بنام « زیاد بن ابیه » ( زیاد فرزند پدرش! ) معروف بود بنام « زیاد بن ابی سفیان » نامید بدو گفت من و تو از یک اصل و ریشه و فرزندانیک پدریم، هر دو فرزندان ابوسفیان و بنا بر این برادریم!! و با این عمل ننگین، بیک اصل مسلم اسلامی « الولد للفراش و للماهر الحجر، رانقض نمود.

\* \* \*

قهرمان داستان ما « غانمه دختر ابی غانم » که از زنان بزرگ قریش، و بواسطه کبر سن، مورد احترام همگان بود: سکوت را جایز ندانسته سالی پس از مراسم حج در مکه در میان انبوه جمعیت، بیای خاست، و خطاب به زیر را القاء نمود...

هان ای مردم! قبیله قریش همواره دارای خاندان پاک و نجیب و حسب و نسب ضحیح بوده با عار و ننگ زاده نشده اند، و بوسیله قرعه و قیافه شناس و گواهی گواهان، فرزندی را پدیری ملحق نساخته اند، همیشه با بزرگی و نجابت، و در کمال جود و سخاوت بر مردم مکه فرمانروائی داشته، با آلودگیهای اخلاقی، و تیرگیهای گمراهی و ضلالت آلوده نشده و در نتیجه گرفتار ندامت و پشیمانی نگشته اند، در حلم و بردباری، جود و سخا، کسی برایشان سبقت نکرفته است، مردانی بزرگ از میان آنها برخاسته که بواسطه سجایای اخلاقی و خدمات



بزرگی که انجام داده اند ، مورد تعظیم و تکریم همگان بوده اند .  
کدام قبیله ، رادمردی همچون « عبد مناف » تربیت کرده ، که شاعر درباره او میگوید :

عبد مناف ثمره قریش ، ومیوه بوستان آنخاندان است ...

ویا کدامین طایفه ، بزرگواری همچون فرزند عبد مناف « هاشم » پروریده است که در روز گارسختی و گرفتاری ، آنگاه که قحط و غلامردم مکه را بمرک و نیستی تهدید می کرد خانهاش را پناهگاه بیچارگان قرار داده ، بزرگ و کوچک را سرسرفره خویش می نشانند ، و با دست خود بگرسنگان غذا میداد ، کسی از در خانه او محروم بر نمی گشت ، آری او در موقع گرسنگی بفریاد مردم رسید ، و فرزند پر و مندش « عبدالمطلب » هنگام تشنگی .

آنسال کم آبی بود ، مکه خشک و کم آب ، آنسال خشک و بی آب تر بود ، مردم حتی آب برای آشامیدن نداشتند ، عبدالمطلب بپاخواست ، کوشید ، فعالیت کرد ، در مقابل طعنه ها ، نیش زدن های یاوه گویان مقاومت نمود ، تا بالاخره چاه زمزم را که از سالها پیش پر شده بود ، و کسی حتی محلش را نمیدانست پیدا کرد ، تخلیه نمود ، و آب گواری آنرا در دسترس مردم گذارد ... آری عبدالمطلب از خاندان ما بود ، و فرزند گرامیش ابوطالب نیز ... همان کسی که مردانه از رسول خدا حمایت کرد سختیها کشید ، و مشکلاتی را تحمل نمود ، در مقابل آنهمه تهدید و تطمیع دشمنان هیچگاه دست از یاری پیامبر (ص) برنداشت .

و از خاندان ، است « عباس بن عبدالمطلب » که رسول خدا (ص) او را ردیف خود سوار نمود ، و بدو عطاى فراوان فرمود .

و از ماست « حمزه بن عبدالمطلب » که در راه حق و فضیلت مردانه کوشید ، مبارزه کرد تا شربت شهادت نوشید ، و بافتخار لقب « سرور شهیدان » از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله نائل آمد .

و از خاندان ماست « جعفر بن ابی طالب » که کمال و بزرگواریش ضرب المثل بود ، همیشه با صفا و صمیمیت برای اسلام و مسلمین خدمت میکرد ، مکر و حیل در کارش نبود ، و بالاخره نیز در جهاد بادشمنان خدا ، دستهایش از بدن جدا شد و شربت شهادت نوشید ، رسول خدا (ص) فرمود : خدا به پسر عمویم جعفر دو بال بهشتی مرحمت میکند که در بهشت جاویدان پرواز می کند .

و از خاندان ماست امیر المؤمنین علی بن ابی طالب که پس از رسول گرامی (ص) احادی به پایه مجدد و بزرگواری او نمیرسد ، چه فضائل او بیرون از شمار است و براستی که هنوز مردم از داستان فضیلت او اندکی شنیده اند .

و از خاندان ماست « حسن بن علی » که رسول خدا ص او را « آقای جوانان بهشت » نامیده است ، جدش پیامبر و او ثمره بوستان نبوت و رسالت است و از ماست « حسین بن علی »

که جبرئیل اورا بردوش خود سوار میکرد و خدا او را از عیوب و نقیصه‌های اخلاقی پاک و منزه داشته کیست که مجدد و عظمت او همانند مجدد و عظمت حسین پاک سیرت باشد! (۱)

مردم مکه! جمعیت قریش! مسلمانان گرامی! اینها که نام بردم افتخارات حال و گذشته شما بوده و هستند، بایشان افتخار کنید، و فریب معاویه مکار و حیل‌گر را نخورید او لیاقت مقام مقدس خلافت را ندارد، عجبنا کسی که تا دیروز پیامبر (ص) را شامات میکرد، و حضرتش را سرزنش مینمود، امروز داعیه خلافت و جانشینی او را دارد!

اینکه که معاویه در مدینه است من تصمیم دارم بخواست خدا بمدینه بروم **گفتمینمها را بگویم و حقایق را فاش سازم**، شاید عرق شرم و آزر دم بر پیشانی او بنشیند، و از گفتار و کردار نا شایست خود دست بکشد.

\* \* \*

«غانمه» سخنرانی خود را بپایان رساند، سخنان او دهان بدهان می‌گشت، بگوش فرماندار مکه رسید، فرماندار جریان را بمعایه گزارش داد، و نوشت که غانمه آهنگ مدینه دارد. معاویه همانطور که رسم دیرین او بود، هر گاه حریف را نیرومند میدید سپهر میانداخت و از راه نرمی و علایمت پیش می‌آمد و تطمیع مینمود، شاید بدینوسیله بر حریف پیروز شود این مرتبه نیز دستور داد، محل پذیرائی مجللی برای «غانمه» تهیه کردند. همه گونه لوازم پذیرائی آماده نمودند، و در موقع مقرر فرزندش یزید را با عده‌ای با استقبال غانمه فرستاد و او را بهمانی خود دعوت کرد، شاید بدینوسیله بر سر مهر و لطف آورد، و آبروی خود را حفظ کند.

غانمه به یزید و مستقبلین اعتنا نکرد، یزید بیخیال آنکه غانمه او را نشناخته است خود را معرفی کرد، بانوی بزرگوار بر او بانکه زد ای ناقص! خدایت رعایت نکند و جانب ترا ننگه ندارد، من خود در مدینه برادر دارم و بخانه او میروم و **اصولامارا باشما و میهمانی شما چکار!** یزید و مستقبلین خجل و شرم‌منده نزد معاویه باز گشتند، و داستان را برای معاویه باز گفتند، و مجازات غانمه را از وی خواستند معاویه گفت: پسر ما این زن از نظر سن و سال بزرگترین مردم قریش است، در زمان پیامبر او پیرزنی بزرگوار و محترم بوده است، صلاح نیست نسبت با او شدت عمل بخرج دهیم...

غانمه وارد شهر شد، در منزل برادر خویش «عمرو بن غانم» منزل گزید، فردای آن - روز بملاقات معاویه رفت، معاویه چون او را بدید باو سلام کرد، غانمه در جواب گفت «السلام علی المؤمنین و الهوان علی الکافین» (سلام بر مؤمنان، و خواری و ذلت بر کافران) سپس گفت: کدامیک از شما «عمرو بن عاص» هستید؟!؟

(۱) قهرمان داستان در مورد هر یک از بزرگان که مدح نموده به شعری از اشعار عرب نیز استشهدان نموده است که ما با رعایت اختصار ترجمه پاره‌ای از آنها در گفته‌های «غانمه» بصورت شردرج نموده ایم.

عمر وعاص بر خاست و گفت من !

-تو به بزرگان قریش و بنی هاشم بد میگوئی و دشنام میدهی ؟ بر فرض دیگران هم ترا شناسند ، من که خوب ترا می شناسم و از ریشه خانوادگی تو خیر دارم ، تو فرزند همان زن احمق هستی که به ناپاکی و فجور معروف و مشهور بود ، همه کس او را می شناخت این بود مادرت ..! اما تو همان گمراهی هستی که هیچگاه روی هدایت و رستگاری ندیده ای . تو همان مفسدفتنه جوئی که ابدأ بسوی صلاح میل نکرده ای ..

در این وقت غانمه رو بمعاویه کرده گفت: معاویه ! ترا با بنی هاشم چکار ؟ خود را با بزرگان بنی هاشم یکسان میدانی ؟ آیا در جود و سخاوت و بزرگی و فضیلت امیه و هاشم و فرزندان نشان بنی امیه و بنی هاشم در جاهلیت و اسلام هم سنگ و یکسان بوده اند ؟ آیامی توانی ادعا کنی که زنان بنی امیه در پاکی و نجات ، عفت و عصمت پیاپی زنان بنی هاشم میرسیده اند ؟ سخن باینجا که رسید معاویه گفت :

اوه ! بس است من دیگر در باره بنی هاشم سخن نخواهم گفت .  
غانمه گفت ، بتوبگویم معاویه ! پیامبر بزرگوار از خدا خواسته که پنج دعای من مستجاب شود اگر دهان خود را نبندی و با زهم به بنی هاشم جسارت کنی هر پنج دعا را در حق تو بکار خواهد برد ، معاویه از این سخن غانمه ترسید و قسم خورد که دیگر نسبت به بنی هاشم بد گوئی نکند (۱).

(۱) مدرک: المحاسن والمساوی للبيهقي

### بقیه از صفحه ۵۶

خود را آلوده میکنند سرعت در جنگال بیرحم سرطان گرفتار خواهند شد در عین حال تعداد مبتلایان بسرطان ریه در فرانسه ۳ مرتبه کمتر از مبتلایان کشورهای فنلاند و انگلستان میباشد ، زیرا فرانسویان در کشیدن سیگار افراط به خرج نمیدهند و روی همین اصل از جهت ابتلای بسرطان ریه در دنیا در ردیف ۱۶ قرار میگیرند . در حالیکه از نظر سرطان دستگاه هاضمه بجهت شرب مسکرات در ردیف اول قرار دارند!

پروفسور «دانیل اسواتز» رئیس تحقیقات آماری انستیتوی گوستا و روسی بطور واضح میگوید:  
مردی که سیگار میکشد و مشروبات الکلی هم میآشامد سخت در معرض ابتلای بسرطان واقع شده است کسیکه روزانه ۱۰ سیگار میکشد خطر ابتلای بسرطان را برای خود ۱۰ برابر میکند کسیکه روزانه ۲۰ سیگار میکشد خطر ابتلای سرطان را برای خود ۲۰ برابر میکند بهمین نسبت میتوان خطر دود کردن سیگار را حساب کرد، یک نفر که روزانه یک قوطی سیگار میکشد و دو لیتر شراب مینوشد احتمال ابتلای بسرطان را برای خود برابر با  $۶۰ = ۲۰ \times ۳$  میکند آدم مسنی که روزانه ۴۰ سیگار میکشد و ۴ لیتر شراب می آشامد این خطرات را برای خود ۲۰۰ برابر کرده است .

کسانی که نه لب بسیگار میزنند و نه مشروبات الکلی می آشامند احتمال ابتلای بسرطان برای آنها بیش از یک در هزار نخواهد بود !